

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: پورتال

## خواب و خیال

( از خاطرات گذشته )

بوسه ای از لب همچون می نابش کردم  
چین بر ابرو زده و داد بسی دشنامم  
سیلی بر رخ گاهی من آن دلبر زد  
اشک از دیده فرو کرده گرفتم پایش  
آه پر سوز کشیدم ز دل صدپاره  
قصه بی کسی خویش به او سر دادم  
نرم گردید، دل سنگ تر از فولادش  
دست در گردنش انداختم و هیچ نگفت  
پنبه از شوق گرفتم ز سر باده ناب  
گفتمش بوسه بده، گفت بگیر از دهنم  
آنقدر بوسه گرفتم ز لب چون شکرش  
به یکی بوسه مرا زد به دهن، اما من  
که بر افروخته بیدار ز خوابش کردم  
سر به پیش قدم افکنده، جوابش کردم  
نظری بر رخ چون تازه گلابش کردم  
پای از خون دل و دیده، خضابش کردم  
رفت از خویش و بیک ناله کبابش کردم  
که به پیش نظر خویشتن آبش کردم  
پنجه در طره پر پیچ و تابش کردم  
راحت جان و دل خویش خطابش کردم  
دادمش جام می و مست شرابش کردم  
لب نهاده به لب چون می نابش کردم  
که به مانند شکر در دهن آبش کردم  
بیکی جرعه می مست و خرابش کردم

اینهمه خواب و خیال است که گفتیم «اسیر»

نه منش بوسه، نه بیدار ز خوابش کردم

( حضرت کابل - ثور ۱۳۳۲ ش )